

نوری از بیت لحم می درخشد که تمام جهان را منور می کند. ستاره شناسان همراه با بسیاری از مردم از همه کشورها در اطراف عیسی جمع می شوند. آنها زمان و تلاشی از خودشان دریغ نکردند زیرا آنها نور جهان را در مسیح کشف کرده اند. ما نیز در سال جدید دور آخور جمع می شویم تا سال جدید را با مسیح آغاز کنیم. مانند ستاره شناسان، ما دوست داریم وقت بگذاریم و سفر طولانی را به سمت عیسی طی کنیم. با این حال، تعمق و تفکر کردن برای ما آسان نیست. بسیاری از موضوعات دیگر زندگی روزمره ما را تحت تاثیر قرار می دهند و نگرانی ها هرگز دور نیستند. متوجه می شویم که توقف و دعا کردن برای ما چندان آسان نیست. شاید به این دلیل است که ما اساساً در مورد فراخوانده شدن از سوی خدا در زندگی روزمره مان مشکل داریم. بنابراین، جامعه از عهد عتیق به ما کمک می کند تا نگاهی دوباره ببندیم. این متن به ما کمک می کند مکث کنیم. بنابراین به متن موعظه ی جامعه گوش دهید



برای هر چیز زمانی است و هر امری را زیر آسمان، وقتی:  
2 وقتی است برای زاده شدن و وقتی برای مردن؛

وقتی برای کاشتن و وقتی برای برکنندن آنچه کاشته شده؛

3 وقتی برای گشتن و وقتی برای شفا دادن؛

وقتی برای ویران کردن و وقتی برای بنا نمودن؛

4 وقتی برای گریه و وقتی برای خنده؛

وقتی برای ماتم و وقتی برای رقص؛

5 وقتی برای دور افکندن سنگها و وقتی برای گرد آوردن آنها؛

وقتی برای در آغوش کشیدن و وقتی برای خودداری از آن.

6 وقتی برای جستن و وقتی برای از دست دادن؛

وقتی برای نگاه داشتن و وقتی برای دور افکندن؛

7 وقتی برای دریدن و وقتی برای دوختن؛

وقتی برای سکوت و وقتی برای سخن گفتن؛ 8 وقتی برای محبت و وقتی برای نفرت؛ وقتی برای جنگ و وقتی برای

صلح. 9 کارگر را از محنت خویش چه سود؟ 10 من کاری را که خدا به بنی آدم سپرده تا بدان مشغول باشم، مشاهده

کردم. 11 او هر چیز را در وقتش زیبا ساخته است. نیز ابدیت را در دلهای ایشان نهاده است، بی آنکه بتوانند آغاز و

انجام کار خدا را دریابند. 12 می دانم که آدمیان را چیزی بهتر از آن نیست که مادام که زنده اند، شادمان باشند و نیکی

کنند، 13 و اینکه هر یک بخورند و بنوشند و از دسترنج خویش خرسند باشند، که این موهبت خداست. 14 و دریافتم که

هرآنچه خدا می کند، تا به ابد پایدار است و چیزی نتوان بر آن افزود یا از آن کاست. خدا آن را به عمل می آورد تا

آدمیان از او بترسند. 15 آنچه از پیش بوده، هم اکنون نیز هست، و آنچه خواهد بود، از پیش بوده است. و خدا آنچه را

گذشته است، باز می جوید.

زمان ما شبیه یک میز پر از غذا های گوناگون است. آن میز کاملاً پر از پیشنهادات مختلف است. تقویم ما شبیه آن میز چیده

شده است. اما ممکن است مازاد عرضه نیز وجود داشته باشد. ما مجبور نیستیم همه چیز را بخوریم، در غیر این صورت ممکن

است مانند شام کریسمس دچار معده درد شویم. بنابراین مهم است که ما انتخاب کنیم چه چیزی مهم است و چه چیزی نه. به نظر

من باید با زمان مانند رژیم غذایی سالم برخورد کنیم. جالب اینجاست که ما انسان های مدرن باهوش تر از گذشته رفتار می

کنیم تا زمانی بیشتر داشته باشیم. در گذشته، مردم مجبور بودند ساعت های زیادی برای شستن لباس با دست مصرف کنند.

امروزه یک ماشین می تواند لباس ها را یکباره شسته و خشک کند. تمام کارهای دیگری که باید انجام دهیم مشابه آن است. من

اولین کار مکتوب خود را با یک ماشین تحریر مکانیکی تایپ کردم. سپس با تلاش زیاد، خطاها را با یک نوار به اصطلاح "Tipp-

Ex" تصحیح کردم. امروزه همه خطاها توسط کامپیوتر صحیح می شوند. آن کامپیوتر حتی خطاها را بررسی می کند و سند

مکتوب را در عرض چند ثانیه به انتهای دنیا ارسال می کند. با این همه منابع فنی، ما انسان ها باید قاعدتاً زمان زیادتری از گذشته

داشته باشیم. متأسفانه اینطور نیست! برعکس: هرچه ابزار های فنی بیشتری داشته باشیم، زمان کمتری داریم. این به خاطر کمک

های فنی نیست، بلکه به این دلیل است که پیشنهاد های زیادی اضافه شده اند که وقت ما را می گیرند. پیشنهادهای و تعهداتی که بر

دوش ما فرو می ریزند نیز صد برابر شده اند!

به همین دلیل مهمتر است که زمان را مانند غذا بی بینیم که روی میز چیده شده است. این بدان معناست که ما باید به دقت فکر کنیم که چه چیزی روی میز ما مهم است و چه چیزی نه. برخی از پیشنهاداتی که می بینیم بسیار جذاب به نظر می رسند. اما وقتی از آنها استفاده می کنیم، حتی متوجه می شویم که خوب نیستند، بلکه می خواهند ما را اسیر کنند، تحت فشار قرار دهند یا ما را دستکاری کنند. ما اکنون بسیار تحت کنترل چنین پیشنهادهایی هستیم که از مهارت های ما فراتر می روند و ما را در فراوانی غرق می کنند. به همین دلیل است که باید به زمان فکر کنیم.

نگرانی در مورد زمان چیز جدیدی نیست. پادشاه خردمند سلیمان نیز در مورد آن فکر کرده بود. سلیمان هنوز از حد فعالیت هایی که ما امروز می شناسیم اطلاعی نداشت. با این حال، او این حس را می شناخت که انسان ها همیشه هم خدا را می خواهند هم خرما. او در فصل سوم کتاب جامعه می نوشت: «

### **وقتی برای کاشتن و وقتی برای برکندن آنچه کاشته شده؛ 3 وقتی برای کُشتن و وقتی برای شفا دادن؛ وقتی برای ویران کردن و وقتی برای بنا نمودن؛ 4 وقتی برای گریه و وقتی برای خنده؛**

در همه اینها مهم به نظر می رسد که ما از صمیم قلب بر زمان حال تمرکز کنیم که خود خداوند به ما می دهد. و این کار برای ما بسیار دشوار است. ما نمی توانیم خود را وقف لحظه ای در زمان کنیم، زیرا به لحظه ای بعد نگاه می کنیم یا مشتاقیم که لحظه بعد از زمان حال پیشی بگیرد.

در آن زمان آرزو می کنیم که در لحظه بعدی باشیم! تصور کنید در قطار هستید و یک نفر دقیقاً کنار شما می نشیند و بی وقفه در مورد پرورش توت فرنگی خود صحبت می کند که اصلاً به آن علاقه ای ندارید! چقدر در چنین مواقعی دوست دارید زمان به جلو برود! در همین وقت ما می خواهیم از زمان حال دور شویم و در لحظه بعدی باشیم. هر گاه در شرایطی بد قرار می گیریم احساس ناراحتی می کنیم یا می خواهیم زمان را به شکلی تغییر دهیم یا در زمان دیگری باشیم. بله، برخی از افراد حتی مریض یا افسرده می شوند زیرا نمی خواهند از زندگی آنطور که الان هست راضی باشند. آنها ترجیح می دهند به جای دیگران باشند یا زندگی متفاوتی داشته باشند. و همیشه آرزوی زمانی را دارند که بهتر از زمان فعلی است. جشن مکاشفه خدا که الان داریم درباره چیزی پنهان است که برای ما آشکار می شود. خدا ما را از تاریکی فرا می خواند و اجازه می دهد نور خود را ببینیم. و این فراخوان خداوند، ما را دعوت می کند تا زندگی هر روزه ی خود را در چارچوب فراخوان خدا قرار دهیم. این اغلب هیچ چیز غیر عادی نیست. برعکس، مثل تولد عیسی عادی است. این باعث می شود زمانی که اینجا و اکنون تجربه می کنیم غیرزمینی باشد: آن وقت می توانیم، همانطور که سلیمان قبلاً در مورد آن صحبت می کرد، ابدیت را در چیزهای کاملاً عادی مانند زندگی و مردن، رشد و پژمرده شدن، سوگواری و خنده ببینیم. در فصل ظهور مهم نیست که ما چیزهای خارق العاده را در خود کشف کنیم، بلکه باید آنها را در زندگی عادی کشف کنیم. شخصی که به فضا پرواز می کند یا به دستاوردهای خارق العاده دیگری دست می یابد، ابرائسان نیست. آنچه خارق العاده است، پدر یا مادر عادی است که برای خانواده شان کار خسته کننده ای انجام می دهند تا آنها خوب باشند. چیزی که استثنایی است فقط فردی نیست که پیشرفت تحصیلی بالایی دارد، بلکه فردی است که با اعتیاد به الکل سروکار دارد. آنچه خارق العاده است، داستان های عاشقانه پر زرق و برق در مطبوعات نیست، بلکه شخصی است که باید با اشتباهات شریک زندگی اش کنار بیاید.

ما می خواهیم همه اینها را در آغاز سال انجام دهیم. به نظر من ما انسان های مدرن دیگر نمی توانیم به خوبی با زمان کنار بیاییم. ما به خودمان اجازه می دهیم که توسط رسانه ها سرکوب شویم تا فکر کنیم زمان باید همیشه با چیزهای شادی پر شود که توجه ما را به خود جلب می کنند. خدا زمان دیگری دارد. آیا ما، مردم مدرن، حتی می دانیم که زمان دیگری وجود دارد که فراتر از زمان کنونی است؟ آیا حتی مشخص است که زمانی پس از مرگ وجود دارد؟ در نهایت، ما می دانیم که خدا زمان را ساخته است. وقتی این را بدانیم، زمان بیشتر ارزش پیدا می کند. زمان محکم در ابدیت لنگر انداخته است. اما خداوند نه تنها در زمان خود در ابدیت باقی می ماند، بلکه وارد زمان ما نیز می شود. او این کار را از طریق عیسی مسیح انجام می دهد. وقتی مسیح شویم، به این زمان خدا متصل می شویم. خود خدا ما را خیلی محکم در قلبش نگاه می دارد! و خدا اجازه نمی دهد که این زمان ناپدید شود چون خدا فراموش نمی کند! او ما را در قلب خود نگاه می دارد! و آنچه او از طریق تعمیم به ما وعده داده است برای همیشه در قلب او باقی می ماند.

و اگر همه اینها را بدانیم، می توانیم زمان زودگذر خود را نیز به دست خدا بسپاریم. و ما می توانیم از زمان در سال ۲۰۲۴ همانطور که خدا می خواهد استفاده کنیم. پولس آن را صدا می زند: «فرصتها را غنیمت شمارید!» عیسی مسیح که محکم در ابدیت پیوسته است، در زندگی خود نشان داد معنی آن چیست. او آنچه را که در اینجا و اکنون تجربه می کرد در چارچوب ابدی قرار می داد. پس در قلب خدا جای گرفته بود او اغلب ساعت ها دعا می کرد و می دانست که آن لحظه بخشی از ابدیت است.

امروز می خواهیم سال ۲۰۲۳ را به دست خدا بسپاریم. ما قدر دان چیزهای خوبی هستیم که او به ما داده است. و آنچه ما را نگران می کند در دستان او قرار می دهیم: زمان آینده، مشکلات و چالش های پیش رو. همه چیز را به خدا می سپاریم. من وقت ندارم! این هیچ بهانه ی خوبی نیست. چنین چیزی فقط برای کسانی صدق می کند که از ابدیت چیزی نمی دانند! آمین